

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۷ آبان ۱۳۹۶

مصادف با: ۹ صفر ۱۴۳۹

جلسه: ۷

موضوع کلی: تفسیر سوره بقره

موضوع جزئی: وجه اختصاص هدایت به متقین

﴿ الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین ﴾

وجه اختصاص هدایت به متقین

بحث در آخرین جمله این آیه یعنی «هدی للمتقین» بود، عرض کردیم یک سوال اساسی در اینجا وجود دارد و آن اینکه اگر هدایت در قرآن و شامل همه مردم می شود، پس چرا در مقابل، در برخی آیات دیگر به گروه های خاصی اختصاص پیدا کرده است، گاهی به مؤمنین، و گاهی به محسنین و گاهی به مسلمین، و در این آیه هم به متقین، وجه اختصاص هدایت به این گروه ها و یا به خصوص متقین در این آیه چه چیزی می باشد، جواب هایی به این سوال داده شده است، یک جواب را مرحوم شیخ طوسی در تفسیر تبیان فرموده و صاحب مجمع البیان هم متخذاً عن الشیخ آن را در مجمع البیان ذکر کرده است.

وجه اول

شیخ طوسی می فرماید: اختصاص به متقین برای این است که آنها به واسطه قرآن اهتدا پیدا کرده اند و از آن منتفع شده اند، یعنی متقین کسانی هستند که از هدایت قرآن منتفع شده اند و به این جهت است که خصوص متقین ذکر شده است، «هدی للمتقین» یعنی کتاب هدایت برای متقین است که آنها از این هدایت بهره مند و منتفع هستند، چنانچه در آیه «إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ»<sup>۱</sup>، قرآن برای کسانی می تواند منذر باشد و هشدار دهنده باشد که از قرآن پیروی کند.

صاحب مجمع البیان همین وجه را تا حدودی با توضیح همراه کرده و فرموده است که اختصاص به متقین به این جهت است که آنها از هدایت قرآن بهره مند شده اند، این در مقابل گروه هایی است که هدایت و دعوت قرآن در آنها اثر نداشته، برخی از آیات قرآن اشاره به همین مطلب دارد «وَإِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ لَا يَسْمَعُوا»<sup>۲</sup>، که اگر آنها را به سوی هدایت دعوت کنی نمی شنوند، یا در برخی از آیات دارد که اگر هم بشنوند ترتیب اثر نمی دهند، «وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ»<sup>۳</sup>، پس علت اختصاص هدایت به متقین این است که آنها از هدایت قرآن انتفاع می برند و بهره مند می شوند.

۱. التبیان، ج ۲، ص ۵۳.

۲. سوره یس، آیه ۱۱.

۳. سوره اعراف، آیه ۱۹۸.

۴. سوره فاطر، آیه ۱۴.

جواب دیگری مرحوم علامه طباطبایی در این مقام فرموده‌اند، ایشان می‌فرماید: منظور از هدایت در این قسمت آیه «هدی للمتقین» یک هدایت تکوینی است که به عنوان پاداش به کسانی که عمل کرده‌اند به دستورات قرآن داده می‌شود. و اما توضیح ذلک: مرحوم علامه می‌فرماید: بطور کلی این هدایتی که قرآن دارد، یک هدایت تشریحی است، که محفوف به یک هدایت قبلی و یک هدایت بعدی می‌باشد، یعنی در اینجا ما سه هدایت داریم، یک هدایت تکوینی ابتدایی است. منظور از هدایت تکوینی ابتدایی، فطرت می‌باشد، خداوند متعال با قرار دادن سرمایه‌ای بنام فطرت همه انسان‌ها را تکویناً بسوی حق هدایت کرده است، فطرت انسانی اگر سالم باشد، یک سرمایه‌ای است که انسان را به سوی خدا و توحید و معاد و نبوت راهنمایی می‌کند، اگر فطرت انسان سالم باشد انسان با این فطرت سالم توجه به مبداء پیدا می‌کند و اینکه خداوند متعال است که این عالم را خلق کرده است و ربوبیت می‌کند و نیز توحید را از فطرت بدست می‌آورد و اینکه بازگشتی وجود دارد و انسان در مقابل اعمال و رفتار و کردار خود پاسخ‌گو می‌باشد، کلیت هدایت به این امور با سرمایه فطرت کاملاً انجام شده است، این هدایت شامل همه انسان‌ها می‌شود و همه انسان‌ها این سرمایه را دارند، بله، اگر می‌بینیم برخی فطرت‌ها به این امور اعتراف نمی‌کنند و گرایش به حق پیدا نمی‌کنند برای این است که از سلامت بهره‌ای نبرده و گرفتار زنگار شده‌اند، اگر کسی سلیم الفطرة باشد قطعاً به این امور اعتراف می‌کند و این یک سرمایه اولیه است و این هم یک هدایت است، منتهی یک هدایت تکوینی ابتدایی.

بعد از این مرحله یک هدایت تشریحی است، هدایت تشریحی همان است که در قرآن نسبت به خود قرآن بیان شده است، آنجایی که قرآن می‌فرماید، هدی للناس، یعنی قرآن یک هدایت تشریحی دارد که تبیین می‌کند، باید‌ها و نباید‌ها را برای انسان، اینکه چه کارهایی باید انجام دهد و چه اعتقاداتی باید داشته باشد، اینکه رسول خدا پیام آور از طرف خدا می‌باشد، انبیاء الهی کتاب‌ها و پیام‌های خداوند را برای مردم بیان می‌کنند و راه رسیدن به مقصد را به انسان نشان می‌دهند.

بعد از این یک هدایت تکوینی است که پاداش این هدایت تشریحی است، یعنی اگر کسی مشمول هدایت تشریحی شد و اهل ایمان و عمل صالح شد، یعنی متقی شد، آنگاه خداوند پاداش این هدایت را یک هدایت تکوینی قرار می‌دهد، آن هدایت تکوینی که خداوند قرار می‌دهد، این است که به هدف و مطلوب می‌رسد، پس هدایت متقین، در واقع هدایتی است اولاً تکوینی، منظور از هدایت تکوینی یعنی وصول الی المطلوب، یعنی قهراً کسی که اهل تقوا باشد به مطلوب می‌رسد و هدایت می‌شود، هدایت گاهی نشان دادن راه است، مثل دادن آدرس، گاهی به دستگیری شخص و همراهی او تا مقصد است، مثل اینکه از کسی آدرسی را سوال می‌کنید و می‌گوید بدنبال من بیا تا نشان دهم، یعنی دست شما را تا مقصد

می‌گیرد، این هدایت تکوینی است، یعنی هدایتی که به همراه ایصال الی المطلوب است، آنچه که در این آیه خداوند متعال برای متقین بیان کرده است در واقع بیان همین قسم از هدایت است.

کسی که به هدایت تکوینی اولی از سرمایه فطرت استفاده کند و مشمول هدایت تشریحی قرآن که هدایت دوم است قرار بگیرد و بر طبق راهنمایی و دلالت قرآن عمل کند و عمل و کردار و رفتار او بر اساس همان چیزی باشد که در قرآن تشریح شده است، اعم از اخلاق و احکام و عقاید، آنوقت است که خداوند متعال پاداشی به او می‌دهد و آن این است که او را به مقصد می‌رساند، هدایت تکوینی که در حقیقت پاداش هدایت تشریحی قرآن است، پس «هدی للمتقین» طبق نظر مرحوم علامه طباطبایی یعنی یک هدایت تکوینی که نتیجه و پاداش عمل به قرآن و هدایت تشریحی آن است، رسیدن به مطلوب و برخوردار شدن از پاداش منحصر در متقین است و برای عموم ناس نیست، حال اینکه متقین چه کسانی هستند توضیح خواهیم داد.

در ادامه می‌فرماید: در آیه «أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ»<sup>۱</sup> آن هدایت اشاره به همان هدایت تکوینی فطری دارد، اینها کسانی هستند که بر هدایت رب و پروردگارشان بوده‌اند، «علی هدی» اشاره به هدایت اولی دارد، «هدی للمتقین» اشاره به هدایت تکوینی که پاداش است، هدایت تشریحی قرآن لعموم الناس و همه مردم است.

البته اینکه می‌گوییم همه مردم باز باید توجه داشت که برخی از همان سرمایه اولی خودشان هم استفاده نمی‌کنند لذا مشمول هدایت تشریحی قرآن قرار نمی‌گیرند، «أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَىٰ فَمَا رَبِحَتْ تِجَارَتُهُمْ»<sup>۲</sup>، درباره کسانی است که آن هدایت اولی و سرمایه فطرت خود را با ضلالت معاوضه کردند، یعنی ضلالت خریدند و فطرت را فروختند و در تجارتشان سود نمی‌کنند، آنها با اینکه سرمایه اولیه خود را از دست داده‌اند و حداقل تقلیل داده‌اند، آنها هم مع ذلک مشمول هدایت تشریحی قرآن هستند ولی چون دعوت قرآن را نمی‌پذیرند، بر گمراهی خود باقی می‌مانند و قرآن برای آنها جز خسارت ندارند، «وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا»<sup>۳</sup>، پس قرآن برای برخی با اینکه به عنوان هدایت و برای دعوت گفته می‌شود، اما جز خسارت برای آنها نیست.<sup>۴</sup>

پس هدایت اولیه یعنی فطرت شامل همه می‌باشد، آنهایی که از این هدایت اولیه غافل شوند و سرمایه فطرت را مورد توجه قرار ندهند و سلامت آن را از بین ببرند در عین حال از هدایت دوم، یعنی هدایت تشریحی محروم نیستند، ولی

۱. سوره بقره، آیه ۵.

۲. همان، آیه ۱۶.

۳. سوره اسراء، آیه ۸۲.

۴. میزان، ج ۱، ص ۴۵-۴۶.

متأسفانه کسی که آن سرمایه را از دست بدهد و هدایت تکوینی اولی را نادیده بگیرد، در بخش دوم که می‌رسد، این هدایت تشریحی نه تنها کمکی به او نمی‌کند بلکه خسارت و ضرر متوجه او می‌کند، این دلیل برای اختصاص به یک گروه خاص نمی‌شود، این هدایت هم شامل همه می‌باشد، منتهی هدایت سوم مخصوص کسانی است که متقی و مؤمن و مسلمان هستند، یعنی وصول به مطلوب، هدایت تکوینی که به عنوان پاداش و جزای کسانی است که از دو هدایت قبلی برخوردار شده‌اند و در مسیر هدایت قرار گرفته‌اند به آنها داده می‌شود.

سوال:

استاد: این برای این است که آنهایی که قلب و دلشان کور است، آنهایی که چشم بصیرت ندارند و قلبشان مهر خورده است و فطرت خود را از سلامت تهی کرده‌اند، اینها با شنیدن دعوت قرآن بر کفر و عناد و لجاجتشان افزوده می‌شود، کسی که به لجاجت می‌افتد این باعث می‌شود که خود به خود از هدایت دوم هم محروم شود و نتیجه این یک هدایت تکوینی است که آن مجازات است، اینجا هدایت تکوینی سوم برای متقین پاداش است، همین هدایت تکوینی که در مرحله سوم در مورد متقین وجود دارد در مورد کافران و منافقین هم جریان دارد و آنها هم وصول پیدا می‌کنند به آنچه که با آن مأنوس بودند، آنها راه آتش و عذاب را در پیش گرفته‌اند، خدا هم آنها را به آتش و عذاب می‌رساند، این مجازات است، یک هدایت تکوینی مجازاتی که نتیجه محرومیت و عمل نکردن به دستورات قرآن و هدایت تشریحی قرآن و از بین بردن سرمایه فطرت است.

پس به طور کلی ما چه در مورد متقین و مؤمنین و مسلمین و چه در مورد کفار و منافقین طبق آیات قرآن سه نوع هدایت داریم، ۱. هدایت تکوینی اولی، ۲. یک هدایت تشریحی متوسط، ۳. یک هدایت تکوینی مجازاتی که به عنوان جزاء داده می‌شود، هدایت تکوینی اولی که همان فطرت است، همه دارند، هدایت تشریحی قرآن شامل همه می‌شود، اما سومی چون مطلوب انسان‌ها متفاوت است، یک کسی به نور و آرامش می‌رسد، این پاداش عمل به تشریح و قانون قرآن است، اما کسی به نار و عذاب و اضطراب می‌رسد، این هم نتیجه ترک قانون قرآن و مخالفت با قانون قرآن است.

سوال: هدایت تشریحی نسبت به جهال و کسانی که اساساً این دعوت به گوششان نخورد چگونه معنی می‌شود.

استاد: این به شرط این است که این هدایت و دعوت را بشنوند، شامل می‌شود یعنی هر کسی که این قابلیت در او باشد، انسانی که خواب است وقتی صدایش کنید نمی‌شنود، وقتی می‌گوییم دعوت عام، یعنی همه انسان‌ها مخاطب این دعوت هستند، منتهی اگر کسی نشنید، از صلاحیت قرآن برای هدایت نمی‌کاهد، هدایت تشریحی برای همه مردم یعنی اینکه این دعوت شامل همه می‌باشد و همه مردم را دعوت می‌کند و می‌گوید هر کسی می‌خواهد به سعادت برسد راهش این است،

باید اینگونه عمل و رفتار کند و اینگونه بیاندهد، و هرکسی می‌خواهد به شقاوت برسد، افکار و اندیشه و عمل و اعتقادات او این چنین است. اگر این دعوت به گوش او نخورد معنایش این است که این قانون هدایتگری ندارد! دو بحث وجود دارد، یکوقت می‌گوییم قانون یک قانون هدایتگر است، قرآن در سه بعد اخلاق و عمل و عقاید برنامه ارائه داده است، این برنامه راه سعادت است، حال این برنامه زمانی به گوش کسی نمی‌رسد، اگر برنامه هدایت‌گرانه‌ای به گوش کسی نرسید، فویش این است که او نسبت به این جهت تکلیفی نداشته است، معنایش این نیست که این هدایتگر نیست، هدایت تشریحی معنایش این نیست که وقتی می‌گوییم هدایت (مثل هدایت امور این عالم) خود به خود چه کسانی که می‌شنوند و چه نمی‌شنوند هدایت می‌شوند، این هدایت تکوینی می‌شود.

**سوال:**

استاد: عرض کردیم هدایت تکوینی اولی که فطرت باشد همه دارند، هدایت تشریحی یعنی اینکه این قانون را در برابر همه بگشایند که بدانند این راه سعادت است، و برای همه می‌باشد، منتهی این هدایت تشریحی نسبت به کسانی که از سرمایه اولی درست استفاده می‌کنند و سالم نگه داشته‌اند، اثر دارد و اثر آن مثبت است، اما برای کسانی که سرمایه اولیه خود را نابود کرده‌اند، این دعوت باعث می‌شود که لجاجت و انکار آنها بیشتر شود، لذا بیشتر در گمراهی فرو می‌روند.

**بررسی وجه دوم**

این وجه، وجه خوبی است و به نوعی قابل بازگشت به وجه اول می‌باشد، یعنی یک نسخه کامل‌تری از وجه اول است، چون شیخ طوسی هم در وجه اول فرموده است وجه اختصاص هدایت به متقین این است که متقین از هدایت تشریحی قرآن بهره‌مند و منتفع می‌شوند، نتیجه انتفاع از هدایت تشریحی اول وصول به مطلوب است، یعنی همان هدایت تکوینی که پاداش این بهره‌مندی و انتفاع است، و در حقیقت تکمیل آن چیزی است که مرحوم شیخ طوسی فرمودند.

**وجه سوم**

در اینجا بعضی از بزرگان در بیانی فرموده‌اند که این جواب علامه دقیق‌تر از جواب شیخ طوسی یا به تعبیر ایشان شیخ طبرسی و صاحب مجمع البیان است، و علت دقیق‌تر بودن آن هم این است که در پاسخ اول این سوال مطرح می‌شود که اگر هدایت قرآن برای همه مردم است چرا فقط گروه خاصی منتفع می‌شوند، یعنی جای این سوال نسبت به بیان اول وجود دارد، آنها می‌گویند در پاسخ اول گفته شد که علت اختصاص به مؤمنین و متقین این است که آنها از هدایت قرآن منتفع و بهره‌مند هستند، سوال این است که چرا فقط گروه اول بهره‌مند هستند؟ آنچه که مرحوم علامه گفته است، به این سوال هم پاسخ می‌دهد و سرّ انتفاع متقین از هدایت قرآن را بیان می‌کند و می‌گوید: علت اینکه آنها بهره‌مند هستند و یک

هدایت تکوینی به عنوان پاداش به آنها داده می‌شود این است که اینها به قرآن عمل کرده اند و از هدایت تشریحی قرآن برخوردار شده‌اند، لذا چون منتفع و برخوردار شده‌اند، این هدایت به عنوان پاداش به آنها داده می‌شود، لکن می‌فرماید این جواب کامل نیست، باید یک جواب کامل‌تری داده شود.

جواب کامل‌تری که داده‌اند این است که منظور از این هدایت تکوینی که به عنوان پاداش داده می‌شود، هدایت تکوینی ایصال الی المطلوب است، این مطلب را آیت الله جوادی آملی در تفسیر تسنیم فرموده‌اند.<sup>۱</sup>

#### **بررسی وجه سوم**

ایشان به گمان خودشان یک اضافه‌ای نسبت به جواب مرحوم علامه بیان کرده‌اند، و می‌فرمایند: آن هدایت تکوینی که به عنوان پاداش ذکر می‌شود، در حقیقت هدایت تکوینی ایصال الی المطلوب است، با توضیحی که ما دادیم، اساساً آن هدایت تکوینی که مرحوم علامه می‌گوید چیزی جز ایصال الی المطلوب نیست، این یک قیدی نیست که بخواهیم به هدایت تکوینی اضافه کنیم، اصلاً معنای هدایت تکوینی که به عنوان پاداش به متقین داده می‌شود رسیدن به مطلوب است، نه اینکه بگوییم گاهی به دنبال هدایت تکوینی وصل به مطلوب می‌باشد و گاهی نمی‌باشد، خیر، اگر متقین به قانون قرآن عمل کرده اند و تشریح قرآن را به رسمیت شناختند و بر اساس آن پیش رفتند قهراً این هدایت شامل آنها می‌شود که به مطلوب برسند، هدایت تکوینی که عاری از ایصال الی المطلوب باشد معنا ندارد، قطعاً منظور علامه از هدایت تکوینی که پاداش متقین قرار داده شده است، هدایت تکوینی است که متقی و رهرو را به مطلوب واصل کند، لذا به نظر ما جایی برای اشکال ایشان به علامه طباطبایی نیست و اصلاً مقصود علامه همین است نه اینکه ما جواب علامه را بخواهیم کامل کنیم و بگوییم این جواب اصح و ادق از جواب علامه است.

#### **حق در مسئله**

این اجمالی از وجه اختصاص هدایت به متقین، و معلوم شد آنچه علامه طباطبایی در این مقام فرموده‌اند جواب قابل قبولی می‌باشد.

«والحمد لله رب العالمین»

<sup>۱</sup> . تفسیر تسنیم، ج ۲، ص